

کارویژه‌های دولت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی^۱ (با تأکید بر امنیت نظامی)

جهانگیر شریعت^۲

DOR: 20.1001.1.17358671.1398.18.66.5.1

چکیده

هدف مقاله حاضر، معرفی کارویژه‌های سیاسی و امنیتی دولت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی است. مدعای مقاله این است که چارچوب‌های امنیت نظامی در آثار فلسفه اسلامی قابلیت استمرار در منظومه امنیتی کشور و بهره‌گیری از آن‌ها در مطالعات امنیت‌پژوهی را دارند. اگر چه این نتیجه و پیامد این مقاله بر اساس دو کارویژه امنیت نظامی است: انسجام درونی جامعه و حفظ وحدت (تألف اولیا) از طریق پیوند محبت میان مردم و همچنین تنظیم رابطه با دشمنان است که بر اساس راهبرد پرهیز از جنگ و ایجاد اشراف اطلاعاتی ایجاد می‌شود. مؤلفه دیگر نزاع با دشمن (تنازع اعداء) است که این راهبرد مبتنی بر زمینه‌سازی دشمن ایجاد می‌شود. بر این اساس، رهنامه نظامی دولت (امامیه) دفاعی است و تمام تدابیر در جهت توسعه دیپلماسی دفاعی مبتنی بر فضای دوستی گفتگو و کاهش عوارض تهدید دشمن است و اگر چه سیاستگذاران از سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی به موقع در جهت آفند و ایجاد شرایط جنگی با دشمنان غافل نیستند اما تنازع با اعداء و راهبرد جنگ مؤخر از راهبرد دفاعی است و رویکرد دفاعی مقدم می‌باشد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا با تکنیک اسنادی انجام شده است.

واژگان کلیدی: کارویژه سیاسی، امنیت نظامی، الگوی فلسفی، دولت امامیه، دولت ناقصه

۱. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد بن حسن که در کتب تذکره با القابی همچون خواجه طوس، محقق طوسی، استاد البشر و عقل حادی عشر، سلطان الدعات و خواجه کائنات از او یاد شده در روز شنبه یازدهم جمادی الاول سال ۵۹۷ ق. در طوس متولد و در روز دوشنبه هیجدهم ذی الحجه سال ۶۷۲ ق در بغداد دار فانی را وداع گفته است (خواجه نصیرالدین طوسی م. ۱۳۹۳: ۹)
۲. دکتری امنیت ملی (مطالعات امنیتی) دانشگاه عالی دفاع ملی

جستار گشایی

آنچه در خصوص امنیت از آثار خواجه نصیرالدین طوسی و همچنین سایر فلاسفه نقل می‌شود در بخش حکمت عملی آثار آنان است و حکمت عملی شامل سه قسم است: تهذیب اخلاق، تدبیر^۱ منازل و خانواده و سیاست مُدن^۲ است (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۴۰). اداره منزل و خانه و خانواده از نظر خواجه رعایت مصالحی و اداره امور جماعت و جامعه نیز مستلزم سازوکارهایی است (ترغیب و وعد و عید و زجر و تکلیف و رفق و مناقشت و لطف و عنف) که حاصل آن مشارکت جمعی برای رسیدن به کمالی است که تک‌تک افراد اجتماع به‌حسب شخص به آن کمال نظر دارند. کنش‌های فردی و جمعی، در جامعه‌گريزناپذیر است، یعنی هر فرد یا گروهی در جامعه، در برابر حوادث و وقایع جامعه واکنش نشان می‌دهند. این نوع واکنش‌ها در پدیدار شدن «امنیت» یا «ناامنی» دخالت مستقیم دارند. (سلیمانی، عباس‌آباد، ۱۳۹۷: ۹۹) از نظر خواجه مراد از منزل در این موضع نه خانه است که از خشت و گل و سنگ و چوب تشکیل شده است بلکه تألیفی مخصوص است که میان شوهر و زن و والد و مولود و خادم و مخدوم و متمول و مال وجود دارد. (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۲۰۶-۲۰۹) خواجه طوسی نسبت به اجتماع و سیاستی که از طرف حاکم جامعه جاری می‌گردد نیز همین نظر را دارد و معتقد است که برآیند سیاست حاکم بر جامعه اعتدالی است که با به‌کارگیری ابزارهای سیاسی سبب می‌گردد که جامعه به کمال برسد و افراد جامعه نیز به اقتضای حال خود مسیر کمال را پیمایند. در این مسیر نگاه محقق طوسی به امنیت نظامی و سازوکارهایی که می‌تواند اجتماع را در مقابل تهدیدات گوناگونی که جامعه را هدف قرار می‌دهند قابل توجه و مهم است به‌نحوی که تکالیف حاکم جامعه برای امنیت نظامی را مشخص و شکل‌گیری ارتش و مؤلفه‌های امنیت ساز برای فرماندهان و شیوه‌های مدیریت نظامی، پرهیز از جنگ و اعلان جنگ و مراقبت از صلح را بیان می‌دارد. این مؤلفه‌ها برخلاف نظری که معتقد به نگاه آرمان‌گرایانه‌ای که ناظر به مدینه فاضله است، خواجه طوسی نگاهی غیرانتزاعی، کاربردی و عملیاتی داشته است که بخش زیادی از این دیدگاه امروزه معتبر و در کاربست امنیتی جاری نقش‌آفرین خواهند بود. لذا مسئله در این پژوهش این است که اکنون که سطوح تحقیقات امنیتی در کشور در حال توسعه است و در آینده به‌عنوان مبانی شکل‌گیری نظریه امنیتی کشور خواهند بود آیا فلسفه اسلامی (آثار فلاسفه) ظرفیت آن را دارند (که بجای مکاتب امنیتی مسلط) به‌عنوان مبانی امنیت نظامی (و سایر شقوق آن) قرار بگیرند؟ اهمیت و ضرورت تبیین این مسئله و انجام این پژوهش مرتبط با شرایط و جایگاه امنیت پژوهی کشور است که بدون بهره‌گیری از منابع فلسفی، ناقص و هر نوع ساختار و چارچوبی بدون لحاظ کردن دیدگاه فلاسفه اسلامی از همه نظریه اسلامی نمایندگی نمی‌نماید.

۱. اداره

۲. اجتماع

لذا در مقطع زمانی کنونی که مکتب‌های امنیتی مسلط مشحون از دیدگاه‌های فلسفی غربی هستند، استفاده از نظریات فلسفی اسلامی برای غنی‌سازی نظریه امنیت پراهمیت است و می‌تواند از اتکای بیش‌ازحد به فلسفه غرب بکاهد. از این‌رو بهره‌گیری از دیدگاه فلاسفه مسلمان به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظریه‌پردازی امنیتی ضروری و تبیین دیدگاه فلاسفه اسلامی در مورد امنیت (که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است) در بهبود و اصلاح روش‌های امنیت پژوهی در جامعه مؤثر و سبب حل برخی تنگنای نظری در تحقیقات امنیتی می‌گردد.

اهدافی که در انجام این پژوهش موردنظر است عبارتند از: کارویژه‌های سیاسی دولت امامیه و ناقصه و کارویژه امنیت نظامی دولت از نظر خواجه طوسی است. به‌طور مشخص سؤالی که برای تبیین این اهداف مدنظر است عبارت است از: مشخصه‌های امنیت نظامی از نظر خواجه طوسی کدامند؟ کارویژه‌های سیاسی دولت از نظر خواجه‌نصیرالدین طوسی کدامند؟ بهره‌گیری از اهداف مذکور با روش تحلیل محتوا با تکنیک اسنادی به سامان آمده است.

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته پیشین مرتبط با این مقاله «امنیت در اندیشه فارابی و محقق طوسی» است که به قلم دکتر بهرام اخوان کاظمی به رشته تحریر درآمده است. مقاله با این نتیجه به سامان آمده است: یکی از اساسی‌ترین اهداف حکومت در اندیشه قدیم، تأمین امنیت بود و این مفهوم نیز اساساً ریشه دینی و ایمانی داشت، لذا توجه عمیق دو حکیم متأله؛ یعنی فارابی و خواجه نصیر به امنیت، تعجب‌برانگیز نیست. برخلاف تصورات اولیه، فارابی و خواجه نصیر، اگرچه به طرح آرمان مدینه فاضله پرداخته‌اند، اما بسیاری از مباحث آن‌ها و ازجمله اشاراتشان به موضوع بااهمیت امنیت، غیر انتزاعی بوده و رویکرد انضمامی، ملموس و کاربردی دارد و از راهکارها و مصادیق خارجی سود جسته است؛ راهکارهایی که هنوز امکان تأسی به پاره مهمی از آن‌ها وجود دارد.

تحقیقات دیگری در حوزه امنیت از نگاه فلاسفه اسلامی ازجمله ملاصدرا، فارابی، ابن مسکویه و ... صورت گرفته است که نتیجه آن‌ها نشان‌دهنده این است که با استفاده از الگوهای (فلسفی) زمینه کاربرد دیدگاه این فلاسفه در پژوهش‌های جدید میسر است. اما تفاوت پژوهش‌های صورت گرفته پیشین با این تحقیق، درنگاه کاربردی محقق طوسی به امنیت نهفته است به نحوی که بیان مسائل نظری و نگاه آرمانی به امنیت، هدف پژوهش نیست بلکه امنیت نظامی متعارفی که برای تحقق اهداف سیاسی ضروری است و در جامعه اثرگذار است، نقطه ثقل این پژوهش می‌باشد.

مفاهیم و مبانی نظری

خواجه نصیرالدین طوسی منشأ پیدایش دولت را اتفاق مردمی می‌داند که در یک اجتماع سیاسی با یکدیگر در رفع نیازمندی‌های خود داشته باشند و موضوع چنین اتفاقی آن است که مردم، قدرت‌های پراکنده با

سمت و سوهای مختلف و گوناگون خود را به کسی واگذارند تا او با قدرت فائقه خویش آن را در جهت رفع نیازمندی های افراد به کار گرفته و اعمال کند و همگان نیز از او اطاعت کرده و از سلاقی شخصی خود بپرهیزند.

شهر و مدینه را افراد بسیار مختلف در جهات گوناگون با انگیزه های بسیار متفاوت تشکیل داده و آن را ایجاد می کنند که اگر تدبیر مناسب در چنین اجتماعی نباشد، تقابل و تعارض انگیزه ها و دواعی به ایجاد هرج و مرج و ظلم و تعدی منجر می شود. لازمه تدبیر و سیاست در پیش گیری چنین نابسامانی هایی به اقتضای نوع انگیزه ها سه چیز است که عبارت اند از: ۱) ناموس (قانون) ۲) حاکم (دولت) ۳) دینار (قدرت مالی) (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۹۰)

محقق طوسی می گوید: «سیاست به ناموس و حاکم و دینار احتیاج باشد، پس اگر این تدبیر بر وفق وجوب وقاعده حکمت اتفاق افتد و مؤدی بود به کمالی که در نو و اشخاص بقوت است آن راسیاست الهی خوانند». (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۲۵۲) ناموس (قانون) آن است که جایگاه هر صنعت و حرفه ای، مشخص و مکتوب شده باشد تا در هنگام تعارض همه صاحبان صناعات و حرف به آن مراجعه کنند. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۴۳)

ارتباط صنفی مردم در معاملات و معاوضات خود و رعایت عدالت در چنین ارتباطاتی از یک سو و مجبول^۱ بر شهوت و غضب بودن انسان از سویی دیگر، قانونی را می طلبد که به عدالت و انصاف بین آنان وضع شده باشد تا افراد با امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند و از یکدیگر در ضایع شدن حق و حقوقشان نترسند: «... و اذا كانوا مجبولين على الشهوة والغضب فلا بد من قانون بينهم مبنی على العدل والانصاف حتى لا يخيف بعضهم على بعض». (خواجه نصیرالدین، ۱۳۵۹: ۳۶۸)

در مکتب امنیتی محقق طوسی و سلف وی فارابی، مدینه فاضله از بارزترین کار و پژوهش های فعالیت اجتماعی و از اهداف تشکیل دولت است. در مدینه فاضله است که زمینه شکوفایی انسان ها فراهم می شود و موجب امنیت جمعی که لازمه رشد و توسعه انسانی است شکل می گیرد. از این رو مدینه فاضله و دولتی که حاکم مدینه است مهم ترین هدف امنیت جمعی است و در یک فرآیند پویا امنیت حاکم و مدینه فاضله امنیت مردم است. در این بخش از حکمت، فیلسوف درصدد است که به تشکیل مدینه فاضله بپردازد تا بتواند در ظرف آن، سعادت ها را معرفی و زمینه های تخلق افراد مدینه را فراهم کند. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۴۳)

سیاست دولت ها

محقق طوسی در آثار خود همانند برخی فلاسفه قبل از خود اعتقاد به حاکمیت دولت امامیه دارد و دولت کامل که موفق به ایجاد امنیت در همه شئون می گردد، حاکمیت معصوم و در غیاب معصوم، باور به حاکمیت فقیهان و حکیمانی دارد که آشنای با سیاست اداره گروه ها و مردم هستند و از طرف دیگر

می‌توانند دستورهای الهی را در اجتماع پیاده نمایند. در این خصوص خواجه در آثار خود برای دولت‌های امامیه که دولت کامل و با حاکمیت معصوم و یا فقیهیان و حکیمان اداره می‌شود و همچنین دولت‌های ناقصه کارویژه‌های آنان و اقسام سیاست را بیان کرده است:

اقسام سیاست: یکی سیاست فاضله باشد که آن را امامت خوانند و غرض از آن تکمیل خلق بود و لازم‌ش نیل سعادت؛ و دوم سیاست ناقصه بود که آن را تغلب خوانند و غرض از آن استعباد^۱ خلق بود و لازم‌ش نیل شقاوت و مذمت و سایش (سیاست‌گذار) اول تمسک به عدالت کند و رعیت را به‌جای اصدقا (دوستان) دارد و مدینه را از خیرات عامه مملو کند و خویشتن را مالک شهوت دارد و سایش دوم (سیاست‌گذار دوم) تمسک به جور کند و رعیت را به‌جای خول^۲ و عبید (بندگان) دارد و مدینه پر شرور عام کند و خویشتن را بنده شهوت دارد و خیرات عامه: امن بود و سکون و مودت با یکدیگر و عدل و عفاف و لطف و وفا و امثال آن و شرور عامه: خوف بود و اضطراب و تنازع و جور و حرص و عنف و غدر و خیانت و مسخرگی و غیبت و مانند آن و مردمان در هر دو حال نظر بر ملوک داشته باشند و اقتدا به سیرت ایشان کنند و از اینجا گفته‌اند که الناس علی دین ملوکهم و الناس بزمانهم شبه منهم بآبائهم (دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است و همه مردم به اهل زمانشان بیشتر شباهت دارند تا به پدرانشان).

طالب مُلک (حاکم) باید که مستجمع هفت خصلت بود: ابوت^۳، علو همت، متانت رأی، عزیمت^۴، صبر بر مقاسات^۵ شداید، یسار^۶ و صالح (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۰۲-۳۰۱) ارکان سیاسی جامعه از نظر خواجه

خواجه طوسی برای استواری نظام سیاسی موردنظر خود، نهادهایی را به‌عنوان ارکان نظام سیاسی مدینه فاضله برمی‌شمارد. وی این نهادها را ترسیم‌کننده سیاست‌های کلی و جزئی، اجرایی و غیراجرایی و جاری و غیر جاری نظام سیاسی می‌داند که جهات تدبیری و اجرایی نظام را تدبیر می‌کند:

الف - نهاد رهبری: ریاست عظمی و غیرعظمی

ریاست عظمی: ۱- ریاست ملک علی‌الاطلاق ۲- ریاست شورایی ۳- ریاست سنت ۴- ریاست اصحاب سنت

ریاست غیر عظمی: صناعات و افعال، نهادها و سازمان‌هایی می‌شود که تحت ریاست عظمی درمی‌آیند. هر سازمان و نهادی موظف است که از سیاست‌ها، تدابیر، طرح‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سازمان‌دهی اساسی‌تر نهاد، ارگان و سازمان مافوق خود اطاعت کند. انتهای همه ریاست‌های رؤسا در سیاست‌های خود به رئیس اعظم برمی‌گردد.

۱. به خدمت درآوردن مردم

۲. بندگان

۳. پلری

۴. عزم جزم

۵. رنج بردن

۶. تروتمندی-توانگری

ب- نهاد ذوی‌اللسنه (فرهنگیان و مبلغان) ج- نهاد مقدران (دیوان محاسبات) د- مجاهدان (نظامیان) ه- مالیان (اقتصادیون)

این اصناف نباید بر صنف دیگر غلبه یابند؛ برای مثال سپاهیان و نظامیان نباید به‌جای مدبران امور سیاسی و سیاست‌گذاران قرار گیرند، زیرا در این صورت مردم جامعه و مجموعه نهادهای حکومتی و سازمان‌های سیاسی و ساختار آن‌ها را از اعتدال خود که تدبیر امور است، خارج کرده و به‌سوی اغراض نظامی و نظامی‌گری سوق می‌دهند و می‌خواهند که همه مردم روحیه نظامی کسب کنند و اقدام‌های لازم را برای تحقق این منظور انجام می‌دهند. هم‌چنین اقتصادیون باید در جای خود باشند، زیرا اگر همه تدبیر امور در دست آنان قرار گیرد نظام از اعتدال خود خارج شده و مردم و تمام نهادهای حکومتی و ساختار سیاسی قدرت به تأمین نیازهای اقتصادی و بالاتر از آن نیازهای ترقّعی و حرص، آز، طمع و ... رومی‌آورند و بدین منظور، سیاست‌ها و اقدام‌های لازم و روحیات مناسب با آن را ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، غلبه هر صنفی بر صنف دیگر به انحراف و فساد در امور اجتماع منجر شده (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۰۵) و پیدایش بحران‌ها و گروه‌های انحرافی، .. و درنهایت، انحطاط و زوال و دوری از تمدن در علوم مختلف را در پی دارد. محقق طوسی قول حکما را در این‌باره چنین بیان می‌کند: «فضیلة الفلاحین هو التعاون بالاعمال و فضیلة التجار هو التعاون بالاموال و فضیلة الملوک هو التعاون بالاراء السياسیه و فضیلة الالهیین هو التعاون بالحکم الحقیقیه ثم هم جميعاً يتعاونون على عمارة المَدُن بالخيرات والفضائل». خلاصه این که اگر هر یک از اصناف در جای خود قرار بگیرند و هرکس بر اساس شایستگی خود به کار گمارده شود، در قوای افراد و جامعه اعتدال حاصل می‌شود و جامعه همواره در طریق رشد، ارتقا و توسعه در ابعاد مادی و معنوی قرار می‌گیرد. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۶۱) ز نظر محقق طوسی ارکان جامعه که در ایجاد امنیت نقش دارند و در حقیقت تأثیرگذاران اصلی هستند، در مدینه فاضله پنج صنف هستند: اول جماعتی که به تدبیر مدینه موسوم باشند (افاضل). دوم جماعتی که عوام و فروتران را به‌مراتب کمال اضافی می‌رسانند (ذوی‌اللسنه). سیم جماعتی که قوانین عدالت در میان اهل مدینه نگاه می‌دارند (مقدران). چهارم جماعتی که به حفظ حریم و حمایت بیضه اهل مدینه موسوم باشند (مجاهدان) پنجم جماعتی که اقوات و ارزاق این اصناف ترتیب می‌سازند (مالیان).

ریاست عظمی در این مدینه چهار حال بود: اول آنکه ملک علی‌الاطلاق در میان ایشان حاضر بود و علامت او اجتماع چهار چیز بود: حکمت، تعقل، جودت اقناع و تحیل، قوت جهاد. دوم آنکه ملک ظاهر نبود و این چهار خصلت در یک‌تن جمع نیاید (ریاست افاضل).

سیم آنکه هر دو ریاست مفقود بود (ریاست سنت)

چهارم آنکه این اوصاف در یک تن جمع نبود اما در اشخاصی متفرق حاصل بود (اصحاب سنت).

(خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۲۸۴-۲۸۷)

اما برای رسیدن به تعادل اجتماعی که افراد اجتماع در جهت امنیت زایی گام بردارند نیاز به سیاستی پایدار از دولتی مقتدر است که بتواند بر جامعه تأثیرگذار باشد و به عقیده خواجه: اعتدال شهوات به سیاست حاکمی نیازمند است که به تدبیر طبایع افراد در جهت‌دهی و تنظیم آن‌ها پردازد (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۷: ۲۰). چنین است که سیاست ضرورت خود را می‌یابد تا سایس (حاکم) با تدبیر شایسته خود با وضع قوانین، افراد را ملزم کرده تا به رعایت اعتدال در رفع نیازهای خود بآیند. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۷۲) ضرورت تشکیلات اطلاعاتی در دولت

خواجه به آسیب‌پذیری اجتماع و به بررسی تهدیدات آن می‌پردازد و تهدیدات امنیتی و همچنین امنیت را مورد ارزیابی قرار داده است: از عوامل امنیت زاکه می‌تواند مانع شکل‌گیری تهدید امنیتی گردد وجود تشکیلات و سازمان اطلاعاتی است که موجب امنیت اجتماعی و حفظ دولت از تهدیدات امنیتی و انشقاق جامعه می‌شود و درحقیقت وجود سازمان‌های اطلاعاتی سبب کاهش هزینه ناامنی‌های نظامی می‌شود. از این رو موضوعی که در جامعه ضرورت می‌یابد بحث طبقه‌بندی اطلاعاتی با دو هدف الف- کتمان اخبار و ب- کسب اطلاعات از امور امنیتی است.

از اموری که امنیت یک کشور را تأمین می‌کند، وجود تشکیلات امنیتی است که به تفحص از دشمنان و کسب اطلاعات کامل از توطئه‌های آنان پردازد، به‌خصوص باید بر تدابیر و سیاست‌های دشمنان اطلاع یافت، زیرا آن از روش‌های خوب و بهتری است که می‌توان در مقابله با دشمن، از آن استفاده کرد: «باید که از احوال دشمنان متفحص بود و در تفتیش اخبار ایشان مستقصی^۱، تا بر مکر و خدیعت ایشان واقف گردد و مانند آن فرا پیش گیرد و بدان بر انتقاض^۲ مساعی آن قوم ظفر یابد». (خواجه‌نصیرالدین ۱۳۶۹: ۳۳۶) از دیگر اقدام‌هایی که باید نسبت به دشمنان صورت گیرد، شناسایی کامل معایب آنان است. باید این معایب را تا وقت لازم در اخفا داشت تا با عدم اطلاع دشمن از چنین شناسایی، بتوان ضربه لازم را به او وارد کرد. البته می‌توان برای تضعیف روحیه دشمنان بعضی از آن‌ها را به آنان نشان داد. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۱۱۳)

کارویژه دولت امامیه

خیراتی که دولت حق آنان را کارویژه خود قرار می‌دهد عبارت‌اند از:

۱) امنیت: یکی از نیازهای برتر انسان تأمین امنیت است و مادامی که چنین نیازی را تأمین نکند، به امر دیگری نمی‌پردازد.

۲) سکون: از دیگر خیراتی که همه به آن نیازمندند، برخورداری از ثبات فکری و شخصیتی و آرامش خاطر است؛ زیرا بدون آن، کسی از فرصت تعقل، تفکر، تدبیر، تعالی و تحول نمی‌تواند استفاده کند.

۱. به حد کمال رسیده

۲. ویران شدن

۳) مودت با یکدیگر: از اموری که پایه‌های حیات جمعی را مستحکم می‌کند، رواج و ایجاد پیوند دوستی میان افراد است تا یکدیگر را دوستدار و خیرخواه هم بدانند و نیازهای خود را با کمک و تعاون یکدیگر رفع کنند.

۴) عدل: از دیگر کاروردهای دولت، اشاعه عدالت در میان جامعه است، خواه در روابط دولت با مردم و خواه در روابط مردم با مردم باشد. عدالت در جامعه به ایجاد وحدت صناعی (در مقابل طبیعی) می‌انجامد.

۵) عفاف: دولت باید سیاستی را پی‌ریزی کند که ارکان جامعه و افراد آن، عفت^۱ را در خود بیابند. به عبارت دیگر، شهوت نفس و قوای نفسانی جامعه (قوه اقتصادی) مطیع نفس ناطقه و قوه مدبره دولت حق قرار گیرد تا تصرفات نفس و قوای اقتصادی به حسب اقتضای حکم عقل و حکمت باشد و اثر حریت در آن ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و به خدمت گرفتن لذایذ نفسانی فارغ ماند. (خواجه نصیرالدین طوسی ۱۳۶۹: ۱۱۱-۱۱۴) ازجمله:

- حیا: آن که ارکان جامعه و افراد آن برای احتراز از استحقاق^۲ مذمت، از ارتکاب قبیح دوری گزینند.
- رفق و مدارا: آن که نفس از طریق تبرع^۳، اموری را که حادث می‌شود، پیروی کرده و مشکلات را برای رضای خدا بپذیرد.
- حُسن هَدی: آن است که در نفس رغبتی صادق در تخلق به حلیت‌های^۴ ستوده و محاسن نیک باشد.
- مسامت: آن که نفس، اضطرابی در تنازع^۵ آرای مختلف و احوال متباین به خود راه ندهد و مسامت کند، درحالی که می‌تواند اعمال نظر و قدرت نماید.
- دَعَت: آن است که نفس در تحریک‌های شهوی مالک زمام خویش باشد.
- صبر: آن که نفس در مقابل هواهای نفسانی خویش مقاومت کند تا از آن، لذات قبیح سر نزند.
- قناعت: آن که نفس، امور مآکل، مشارب، ملبس و غیره را بر خود آسان گرفته و به آن چه رفع نیاز می‌کند، اکتفا کند.
- وقار: آن است که نفس در آن جا که به مطلبی برانگیخته می‌شود، شتاب نکند.
- ورع: آن که نفس قصوری در اعمال نیکو و افعال پسندیده راه ندهد.
- انتظام: آن است که برای نفس، تقدیر و ترتیب امور بر وجه وجوب و حسب مصالح، ملکه^۶ شود.

۱. آن است که شهوت مطیع نفس ناطقه باشد.

۲. سزاوار بودن

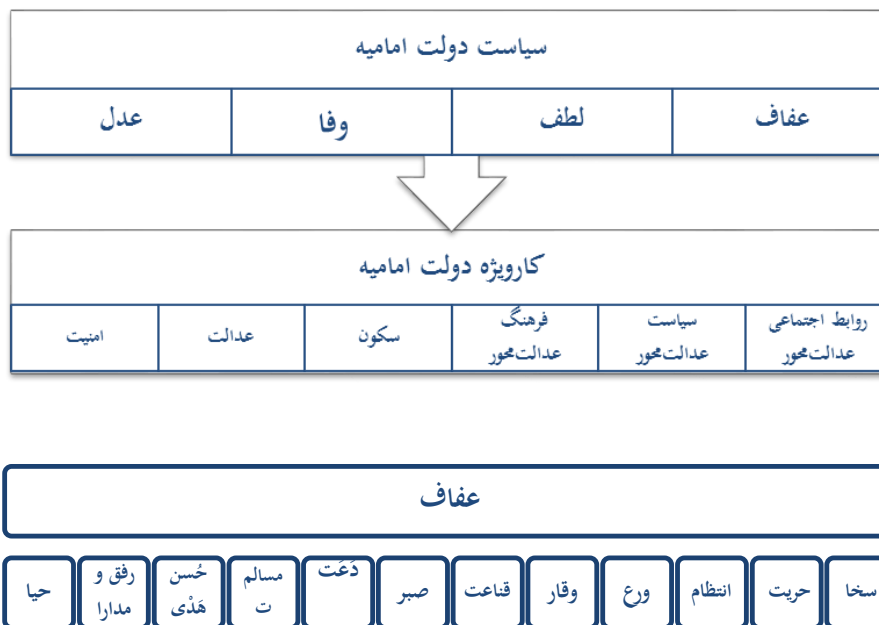
۳. بدون چشم‌داشت مزد و پاداش

۴. آراستگی

۵. درگیری و نزاع کردن

۶. از کیفیات نفسانی است و آنچه به‌زودی از بین نمی‌رود و این از ماهیت خلق است.

- حریت: آن که نفس به اکتساب مال از وجوه مکاسب جمیل و صرف آن در وجوه مصارف پسندیده روی آورد و از مکاسب مذموم بپرهیزد.
- سخا: آن است که انفاق اموال و دیگر مقتنیات^۱ برای نفس سهل و آسان باشد.
- ۶) لطف: از دیگر کارویژه‌های دولت امامت، لطف کردن به زیردستان خود و رواج آن در بین مردم است. لطف نظیر محبت و مودت به تحکیم روابط جمعی کمک کرده و قلوب مردم جامعه را به یکدیگر نزدیک می‌کند.
- ۷) وفا: وفا به تعهدات حقوقی و اخلاقی نیز از دیگر نیازهای حیات جمعی است. دولتی که مروج آن و دیگر فضایل بوده و آن‌ها را در فرهنگ‌سازی خود جای دهد تا در اجتماع مدنی نهادینه شوند، به دولت فاضله تبدیل شده و مدینه از خیرات عامه لبریز می‌شود.



(نمودار ۳-۱)

کارویژه دولت تغلب و ناقصه^۲

دولتی که تنظیم و اعمال سیاست‌هایش بر اساس اصول عقلی و شرعی و نظری و عملی نباشد، بلکه ظلم و جور را وسیله‌ای برای رسیدن به مقصود بداند و زیردستان خود را برده فرض کند، طبعاً

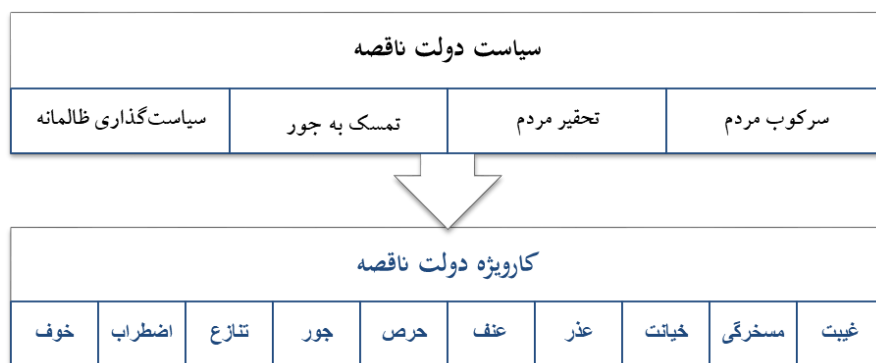
۱. گردآوردن (آنچه آدمی به دست آورده است)

۲. چیرگی (دولتی که خواهان غلبه بر دیگران است)

مروج شرور^۱ است و قید و مرزی برای او وجود ندارد که اعمال و رفتار او را محدود به استفاده از بعضی رذایل کند.

ازاین‌رو [خواجه در رساله رسم و آئین پادشاهان قدیم راجع به مالیات و مصارف آن]، معتقد است. این دولت در آن چه طبق اصول عقل عملی رذیلت محسوب می‌شود، رها است^۲ و از رواج شرور و رذایل بی‌باک است و چون خود، ظالم است و با ظلم، دوام و بقا می‌یابد، جامعه‌ای می‌خواهد که از اصول اخلاقی و انسانی دور باشد؛ بنابراین کارویژه‌اش شیوع شرور عام، از قبیل خوف، اضطراب، تنازع، جور، حرص، عنف، عذر، خیانت، مسخرگی، غیبت و غیره است.

چنین دولتی همیشه در سقوط و حرکت به‌سوی انحطاط به سر می‌برد و مردم خود را بنا بر «النَّاسُ عَلَى دین مُلُوكِهِمْ» و «النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^۳ به انحطاط می‌کشانند. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۹۵-۹۳) حاصل سیاست‌های این دولت ناامنی برای کل جامعه است.



(نمودار ۲-۳)

سیاست و امنیت در دولت‌های تمامیت‌خواه

خواجه که خود گرفتاری زیادی در دربار حاکمان مغول کشید تا هم جان خویش را نجات دهد و هم با استفاده از فرصت حضور خود در دربار آنان، از این شرایط برای نجات علمای دین، مردم ایران و کاستن از خشونت مغولان خشن بهره‌گیرد، به نحوه برخورد با حاکمان ظالم پرداخته و حفظ امنیت شخصی و دینی را در شرایط مختلف مورد توجه قرار داده است. این شرایط بسیار دشوار است و هر نوع اشتباهی می‌تواند هستی افراد را به باد دهد؛ لذا تدبیر برخورد و حفظ خود و دین خود از مواردی

۱. جمع شر

۲. این دولت فارغ از مؤلفه‌هایی است که طبق عقل عملی رذیلت نامیده می‌شوند

۳. یعنی «مردم طبق آئین پادشاهان خود عمل می‌کنند و به زمان بیشتر شباهت دارند تا به پدرانشان». بحواله‌الجالس، ج ۱، ص ۶۱-۶۴.

هستند که مورد توجه خواجه است:

اگر به یکی از ولات که ظالم و بدخوی بود مبتلا گردد باید که داند که او در میان دو خطر افتاده است: یکی آنکه با والی سازد و بر رعیت بود و در آن هلاک دین و مروت او باشد و دیگر آنکه با رعیت سازد و بر والی بود و در آن هلاک دنیا و نفس او بود و وجه خلاص از این دو ورطه به یکی از دو چیز تواند بود، مرگ یا مفارقت کلی^۱ و با والی غیر مرضی السیره^۲ هم جز محافظت و وفا طریق نباشد تا آنکه که خدای، مفارقت^۳ و نجات روزی کند.

خواجه برای کسی که امور مردم را تمشیت می‌کند اعم از این که حاکم باشد یا مدیری مسئول، صرفاً اکتفا کردن بر عقل و هوش و درایت خود بدون استفاده از عوامل اطلاعاتی نمی‌تواند امنیت را برای او به همراه داشته باشد.^۴ در این خصوص توصیه می‌کند که حاکم باید از یک سازمان اطلاعاتی و منسجم برای توسعه فعالیت‌های نظارتی برخوردار باشد و استفاده از افراد باصلاحیت و صدیق در این امور موردعنایت وی است:

«کسی که مباشرت امور رعیت و تعرف احوال ایشان و نظر در کلیات و جزویات ممالک و قانون احتیاط خواهد کرد و را دو گوش و دو چشم و یک دل و یک زبان کفایت نتواند بود و چون مالک چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌ها و زبان‌هایی شود که به عدد بسیار بود و به معنی مانند گوش و چشم و دل زبان او، اطراف ملک بدو نزدیک نماید، و بی‌تجسمی بر اسرار و مغيات اطلاع یابد و غایب را در صورت شاهد مشاهده کند و از کجا این فضیلت توقع توان داشت الا از صدیق صدوق؟ و چگونه در آن طمع تواند افکند الا به وسیلت رفیق شفیق؟».

محقق طوسی در شیوه برخورد با دوستان و کسانی را که در جرگه همکاران حاکم و دولت اسلامی هستند، متفاوت می‌بیند و میان برخورد با آنان در شرایط تخلف با اعداء فرق قائل است و برخورد نرم، توأم با رأفت از نگاه وی می‌تواند حفظ امنیت رابطه میان دولت اسلامی و همکاران را فراهم نماید:

نحوه برخورد با دوستان: تنبه دادن دوستان بر معایب ایشان اول به مثلی یا حکایتی از غیری اولی بود پس اگر نافع نیاید بر وجه تعریض اشارتی خفی مرموز بدو در میان عبارت درج باید کرد و اگر به‌تصریح احتیاج افتد در وقت خلوت، بعد از تقدیم مقدماتی که مقتضی وثوق بود و به ذکر حال‌هایی که مستدعی اطمینان قلب و مزید شفقت و حفاوت^۵ باشد، آن معنی ایراد کرد... حق دوست زیادت از آن

۱. جدایی کامل

۲. کسی که سیرتش ناپسند است

۳. جدایی

۴. خواجه در تجرید الاعتقاد (کشف المراد) نیز منابع دیگری برای حفظ انسان در مقابل تهدیدات مختلف بیان می‌کند و حفظ نفس انسانی را از این طریق می‌تواند به سامان برد و درحقیقت حضور انبیاء در زندگی انسانها را عاملی لاین ساز میدانند که میتواند آسیب‌پذیری‌های انسان را بسیار کاهش دهد: و إزالة الخوف و اشتیاقه الحسن و المنافع والمضار... (خواجه نصیرالدین طوسی ۱۳۷۲: ۴۸۱) یعنی به سبب وجود پیغمبران، خوف در اقدام بسیاری از کارها برطرف می‌شود.

۵. مهربانی

بود که او را در معرض مذمت اضرار و استخفاف^۱ اعدا آرند.

خواجه حفظ محبت در بین مردم را از اهم امور و از واجباتی برای حکومت اسلامی می‌داند که امنیت اجتماعی در شقوق مختلف، به آن ربط می‌یابد. اتحاد در اجتماع و در میان مردم و مسئولین که از مهمات امور برای حفظ امنیت و جلوگیری از رخنه اعداء است به حفظ محبت در جامعه شکل می‌گیرد. ریشه بسیاری از امور مرتبط با امنیت در جامعه به محبت مربوط است: عدالت که موجب ظلم و ستم در جریان جامعه به‌ویژه در کسب و کار مردم از بین برود، عفت که موجب جلوگیری از جنایاتی می‌شود که ریشه شهوانی دارند و شجاعت که حفظ جامعه و سلامت آن می‌گردد^۲. محقق طوسی بالاترین صداقت و فضیلت در جامعه که امنیت ساز است را محبت می‌داند و مذموم‌ترین ردیلت جامعه را بطلالت و کسالت می‌داند: «و احتیاط در باب حفظ محبت که احتیاج بدان از روی احتیاج به تمدن ظاهر است از اهم مهمات بود، تا نقصان بدان راه نیابد و معنی اتحاد زایل نشود، چه اکثر فضایل خلقی که بر شمرده‌ام هم بر محافظت نظام تألف، که وجود نوع بی آن نتواند بود، مقصور باشد، مثلاً احتیاج به عدالت از جهت تصحیح معاملات است تا از ردیلت جور مصون ماند و احتیاج به عفت از جهت ضبط شهوات بدنی تا جنایات عظیم به شخص و نوع راه نیابد و احتیاج به شجاعت از جهت دفع امور هایل تا سلامت بود». حکم کرده‌اند بر آن که هیچ ردیلت در دین و دنیا مذموم‌تر از کسالت و بطلالت نیست فضیلت محبت و صداقت بزرگ‌ترین فضایل و در محافظت آن مهم‌ترین کارها (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۳۴-۳۱۸).

امنیت نظامی

امنیت به وجه ایجابی (اگرچه فارغ از نوع تهدیدات نگریسته می‌شود اما برآورد تهدیدات در منظومه امنیت کشور امری ضروری است. تهدیداتی که در منظومه امنیتی در آثار جدید مکاتب امنیتی به آن پرداخته می‌شود و همچنین در آثار کلاسیک اسلامی و غیر اسلامی می‌توان آثار آن‌ها را یافت، عبارتند از: تهدیدات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نظامی است که از نظر خواجه این تهدیدات می‌توانند تأثیر متقابل داشته باشند. امنیت نظامی با در نظر گرفتن تهدیدات این حوزه از نگاه خواجه از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این رویکرد ابتدا به نقش دفاع و سپس جنگ در امنیت نظامی پرداخته می‌شود.

نقش دفاع در امنیت نظامی

خواجه پیرامون سامانه دفاعی جامعه معتقد است که باید با به کارگیری تاکتیک‌های عملیاتی از غافلگیری جلوگیری نمایند. لازمه اعمال سیاست‌ها و تدابیر خواجه در دفاع، داشتن اطلاعات لازم است که از

۱. سبک گرفتن

۲. نگرش امنیتی - توحیدی از نظر خواجه: ایمان، ثبات، نیت، صدق، انابت، اخلاص و... توکل، رضا، تسلیم، توحید، اتحاد، وحدت (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳: ۸۰-۱)

طریق سامانه اطلاعاتی پیش از درگیر شدن با دشمن به دست آمده باشد. همچنین رفتار فرماندهان با مرئوسین و رفتار مرئوسین با فرماندهان و رؤسا از نظر خواجه در میزان توان و قدرت نیروهای نظامی برای دفاع در مقابل دشمن اثرگذار است. در این خصوص خواجه معتقد است که عدالت و انصاف باید در نظر گرفته شود و ملاحظاتی که برای تدبیر و اداره مرئوسین (مخدومین) باید بکار گرفته شود پرهیز از تندى و افراط است، زیرا از این حیث افراط می‌تواند سامانه مدیریتی و فرماندهی را با مشکل مواجه نماید. در این خصوص خواجه طوسی به تاکتیک‌های دفاعی و همچنین تدبیر فرماندهان برای اداره یگان‌ها پرداخته است:

و اما اگر در حرب (جنگ) دافع (وضعیت دفاعی) باشد و قوت مقاومت دارد، جهد باید کرد که به‌نوعی از انواع کمین یا شبیخون به سر دشمنان رود، چه اکثر اهل شهرهایی که محاربت (جنگ) با ایشان در بلاد ایشان (در شهرهای آنان) اتفاق افتاده باشد مغلوب باشند و اگر قوت مقاومت ندارد (اگر در وضعیت دفاعی در شهرهای خودشان نمی‌توانند مقاومت کنند) در تدبیر حصون و خندق‌ها احتیاط تمام بجای آورد (در این وضعیت نباید با تاکتیک خندق با دشمن مقابله کرد) و در طلب صلح بذل اموال و انصاف حیل و مکاید استعمال کند (باید راه صلح و یا به‌کارگیری تاکتیک‌هایی که به جنگ نینجامد اقدام کرد). این است سخن در سیاسات ملوک (تدبیر پادشاهان).

و اگر تدبیر مخدوم (مرئوسین) بدو حواله بود (ارجاع شود)، مثلاً این شخص وزیر یا مشیر یا معلم او بود و تعریف صلاح کارهای او (بر وی) واجب باشد، باید که داند که ملوک و رؤسا مانند سیلی باشند که از سر کوه درآید و کسی که به یک دفعه خواهد که آن را از سمتی به سمتی گرداند هلاک شود، اما اگر به اول مساعدت نماید و به مدارا و تلطف یک جانب او به خاک و خاشه بلند گرداند به جانبی دیگر که خواهد تواند برد. (اشاره به عدم تندى در برخورد فرماندهان و مرئوسین است به‌ویژه که در این بخش به نرمی و لطافت برخورد با فرماندهان اشاره کرده است) هم بر این سیاق در صرف رأی مخدوم از آنچه متضمن فسادى بود طریق لطف و تدبیر باید سپرد و بر وجه امر و نهی او را بر هیچ کار تحریض نفرمود، بل وجه مصلحتی که در خلاف رأی او بود با او نماید و او را به وخامت عاقبت آن کار تنبه دهد و به‌تدریج در اوقات خلوت و مؤانست به امثال و حکایات گذشته‌گان و حیل لطیف صورت آن رأی را در چشم او نكوهیده کند. (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۱۵-۳۱۳) بر پادشاه واجب بود که در حال رعیت نظر کند و بر حفظ قوانین معدلت توفّر^۱ نماید، چه قوام مملکت به معدلت^۲ بود. (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۰۴) عادلانه بودن قوانین و برخوردها باید نسبت به تمام زیردستان و فرمان‌بران تحت امر رئیس حکومت جریان یابد؛ چه آن‌ها که از عامه مردمند و رعیت تلقی می‌شوند و

۱. حق کسی یا چیزی را به‌تمامی دادن.

۲. عدالت

چه آنان که در رده‌های مختلف حکومتی اشتغال دارند، به‌ویژه نیروی نظامی که مسئولیت حفظ مرزهای مملکت را دارد و از زن و فرزند خود دورند. لذا، خواجه طوسی در نصیحت به «آباق‌خان» (در رساله نصیحت‌نامه) رعایت عدل و انصاف در حق لشکریان را متذکر شدند. (یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۱۰۴) از نظر خواجه رعایت انصاف و عدالت در برخورد دوجانبه میان فرماندهان و روسا در امر توان دفاعی ارتش مؤثر است و اگر این انصاف یک رویه جاری در یگان‌ها باشد، منجر به انضباط معنوی و توان دفاعی در مقابل دشمن می‌گردد.

شرایط ورود به جنگ از نظر خواجه نصیرالدین طوسی

جنگ در فرهنگ امنیتی محقق طوسی غایت اقدامات امنیتی است که کلیه اقدامات در راستای عدم وقوع آن بایستی به کار گرفته شود. کاربست امنیتی وی در جهتی است که با وجود جوامع غیر فاضله‌ای که در اطراف و اکناف مدینه فاضله ممکن است وجود داشته باشند، با این حال سیاست‌گذاری و اقدامات به سمت وسویی باید هدایت گردند که وقوع جنگ را یا به کلی از میان بردارد و یا اگر احتیاج به جنگ و نزاع با دیگر ملل بود ضمن کاهش عوارض آن پیش‌بینی‌های لازم در این خصوص صورت گیرد. خواجه در این زمینه چنین گفته است: «و باید که در استمالت (دلجویی) اعدا و طلب موافقت از ایشان با قصی الغایه (نهایت سعی) بکوشد و تا ممکن باشد چنان سازد که به مقاتلت و محاربت محتاج نگردد، و اگر احتیاج افتد حال از دو نوع خالی نبود: یا بادی (شروع‌کننده) بود یا دافع (دفاع‌کننده)؛ اگر بادی بود اول باید که غرض او جز خیر محض و طلب دین نباشد و از التماس تفوق و تغلب (چیرگی) احتراز کند، و بعد از وثوق (اطمینان) به ظفر و با حشمتی (لشکری) که متفق‌الکلمه نباشند؛ البته به حرب نشود (وارد نگردد)، چه در میان دو دشمن (دشمن اصلی و تفرقه در لشکر خودی) رفتار مخاطره عظیم بود و ملک (پادشاه) تا تواند به نفس خود محاربت نکند که اگر شکسته آید آن را تدارک نتواند کرد (توجیه نمی‌تواند بکند) و اگر ظفر یابد از قصوری که به وقع (اعتبار و عزت) و هیبت و رونق ملک راه یابد خالی نماند و در تدبیر کار لشکر (فرمانده لشکر) کسی را اختیار کند که به سه صفت موسوم بود: اول آنکه شجاع و قوی‌دل باشد و بدان صفت شهرتی تمام یافته و صیتی شایع (شهرت عالم‌گیر) اکتساب کرده؛ و دوم آنکه به رأی صائب و تدبیر تمام متحلی (آراسته) باشد و انواع حیل و خدایع (نیرنگ و خدعه) استعمال تواند کرد؛ و سیم آنکه ممارست حروب کرده باشد (تجربه جنگی داشته باشد) و صاحب تجارب شده و تا به تدبیر و حیل تفرق اعدا و استیصال ایشان میسر شود استعمال آلت حرب از حزم دور بود.» (تا زمانی که با تدبیر امکان ایجاد تفرقه در صف دشمن وجود دارد نباید وارد جنگ شد و اگر وارد جنگ از دوراندیشی به دور است) (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۱۲-۳۱۱) از دیدگاه خواجه، وقوع

جنگ دو حالت دارد: یا از طرف جامعه اسلامی آغاز می‌شود و یا این که بر جامعه اسلامی تحمیل می‌شود. جنگی که از طرف جامعه اسلامی یا حاکم مدینه فاضله صورت می‌گیرد و آغازگر جنگ آن‌ها هست بایستی با هدف و نیت خیر محض و اصلاح صورت گیرد و در راه طلب دین باشد و برای تسلط بر دیگر ملل صورت نگیرد.

لشکری که از طرف حاکم و جامعه اسلامی به جنگ اعزام می‌شوند دارای شرایطی است:

۱- اطمینان از پیروزی

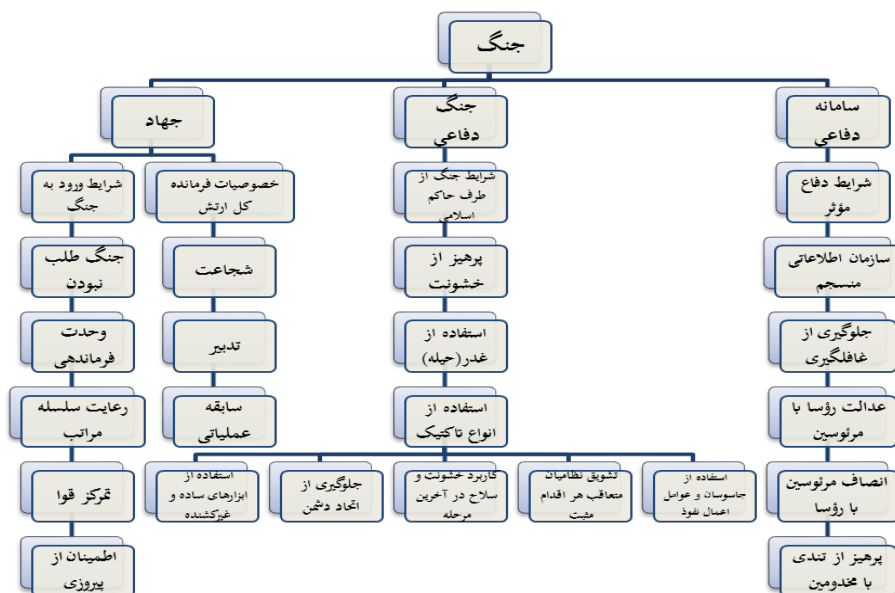
۲- وحدت در میان لشکریان و دوری از اختلاف (وحدت فرماندهی، رعایت سلسله‌مراتب و تمرکز قوا و ...)

۳- حاکم و فرمانده اسلامی جنگ طلب نباشد؛ زیرا در صورت شکست نمی‌تواند توجیه لازم را ارائه دهد و حتی در صورت پیروزی نیز اگر آسیبی به جایگاه حاکمیت نظام اسلامی وارد شود پاسخگو نیست. خواجه طوسی فرماندهان شایسته را از لوازم جنگ‌ها و همچنین کنترل جنگ‌ها می‌داند. وی خصوصیات فرمانده کل ارتش جامعه اسلامی را به شرح زیر بیان کرده است:

۱- شجاع باشد و به این صفت اشتها داشته باشد

۲- مدبر باشد و به تدبیر و مدبر بودن معروف باشد و با انواع فنون جنگی آشنایی داشته باشد

۳- دارای سابقه جنگی و عملیاتی باشد و این عملیات اولین تجربه جنگی او نباشد.



(نمودار ۳-۳)

شرایط ورود به جنگ

خواجه برای جنگ شرایط خاصی را در نظر گرفته است و می‌گوید تا حد ممکن بایستی از جنگ پرهیز نمود و از کاربرد خشونت بایستی جلوگیری شود و اگر چنانچه نیاز به به‌کارگیری خشونت باشد بایستی تا حد ممکن ابتدا از ابزارهای ساده و غیر کشنده استفاده شود و استعمال شمشیر و یا سلاح‌های کشنده را در مراحل آخر تجویز می‌نماید. وی معتقد است که به‌جای جنگ و نزاع بایستی از نیروهای امنیتی برای جلوگیری از اتحاد دشمنان استفاده کرد و به‌کارگیری انواع تاکتیک‌ها را مجاز می‌داند اما بکارگیری غدر (نیرنگ) را مجاز نمی‌داند و مهم‌ترین شرایط جنگ را به‌کارگیری جاسوسان و عوامل نفوذ و عناصر اعمال نفوذ می‌داند.

خواجه تاکتیک‌های جنگی و بکارگیری آن‌ها، استفاده از برخی فنون جنگی مانند کندن خندق و ... را تبیین کرده است.

در مورد تشویق نیروهای نظامی که کار بارز انجام می‌دهند توصیه اکید دارد و بایستی بلافاصله مورد عنایت فرماندهان و رؤسای کشور قرار گیرند. در مورد نحوه برخورد با نیروهای دشمن معتقد است که تا زمانی که امکان اسارت نیروهای دشمن وجود دارد باید از کشتن آن‌ها خودداری کرد؛ زیرا در گرفتن اسیر منافع بسیار است؛ اما در قتل و کشتار هیچ منفعتی نرفته نیست.

خواجه در مورد تدبیر در زمان پیروزی نحوه برخورد با دشمن در زمان شکست و .. دارای تدابیری است که به تفصیل بیان شده است: اردشیر بابک گوید: استعمال عصا نباید کرد آنجا که تازیانه کفایت بود و استعمال شمشیر نباید کرد آنجا که دَبّوس^۱ بکار توان داشت، و باید که آخر همه تدبیرها محاربت^۲ بود، که آخر الدواء^۳ الکی^۴ و در تفرق کلمه اعدا تمسک به انواع حیل و تزویرات و نامه‌های به‌دروغ مذبوم نیست اما استعمال غدر^۵ به هیچ حال جایز نبود و مهم‌ترین شرایط حرب تیقظ^۶ و استعمال جاسوس و طلایه^۷ باشد.

و در حرب ربح^۸ تجار اعتبار باید کرد^۹ و بر مخاطره آلات و مردان تا توقع سودی فراوان نبود اقدام ننمایند (تا اطمینان از سود فراوان نباشد نباید که تجهیزات و نیروها را در معرض خطر قرار داد) و در موضع حرب نظر باید کرد و جایگاه مردان چنانکه به حصانت^{۱۰} و صلاحیت آن کار نزدیک‌تر بود اختیار کرد و حصار و خندق نشاید کرد الا در وقت اضطرار، چه امثال این موجب تسلط

۱. گرز-چماق

۲. جنگ

۳. آخرین مرحله معالجه سوختن است (ضرب‌المثلی است که اشاره به این دارد که جنگ آخرین مرحله در تدبیر است)

۴. عهد شکستن

۵. هوشیاری

۶. دیدودر

۷. سود

۸. حساب هزینه و فایده باید کرد

۹. محفوظ بودن

دشمن باشد و کسی که در اثنای حرب به مبارزتی یا شجاعتی ممتاز شود در عطا و صلت و ثنا و محمّدت او مبالغت باید فرمود^۱ و ثبات و صبر استعمال کرد و از طیش^۲ و تهور^۳ حذر نمود و به دشمن حقیر استهانت کردن^۴ و تآهّب^۵ و عُدّت^۶ تمام استعمال ناکردن از حزم نبود، که کم من فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ^۷ (سوره بقره آیه ۲۴۸) و چون ظفر باید تدبیر ترک نگیرد و از احتیاط و حزم چیزی را کم نکند، و تا ممکن بود که کسی را زنده اسیر توان گرفت نکشد، چه در آسره^۸ منافع بسیار بود مانند سبی کردن^۹ و رهنه داشتن و مال فدا کردن و مَنّت بر نهادن و در قتل هیچ فایده نبود و بعد از ظفر البته قتل نفرماید و عداوت و تعصب استعمال نکند، چه حکم اعدا بعد از ظفر حکم مالیک و رعایا بود و در آثار حکما آورده‌اند که به ارسطاطالیس (ارسطو) (خبر) رسید که اسکندر بعد از ظفر بر شهری شمشیر از ایشان بازنگرفت (کشتن را ادامه داد)؛ بدو عتاب نامه‌ای نبشت (نامه تندی نوشت) و در آنجا یادکرد که «اگر پیش از ظفر معذور بودی در قتل دشمنان خویش بعد از ظفر چه عذری داری در قتل زیردستان خویش؟»^{۱۰} (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۱۳-۳۱۱).

سیاست برخورد با دشمن در چارچوب امنیت نظامی

بر اساس نگاه امنیتی خواجه در برخورد با دشمنان جامعه اسلامی تا حد امکان باید دشمن را تحمل کرد و از درگیری و خونریزی باید پرهیز نمود و در جهت رفع دشمنی و تبدیل دشمن به دوست باید گام برداشت و نباید امکان تظاهر دشمنی با ملل دیگر را داد و از تبدیل فرصت‌ها به تهدید جلوگیری نمود و از منازع و مناقشه باید به شدت ممانعت به عمل آورد؛ زیرا جنگ و نزاع یک ملت را به سمت بدبختی و تیره‌روزی و ناگوار ساختن دنیا می‌برد. از نظر محقق طوسی اسباب دشمنی پنج چیز است: اختلاف و درگیری در ملک و اختلاف و درگیری به خاطر جایگاه و درگیری بر سر چیزهای مطلوب با ارزش، تجاوز به عنف و راه پرهیز از نزاع در هر یک از این موارد ذکر شده این است که از سبب و علت آن صنف باید پرهیز و جلوگیری نمود. یکی از راه‌های جلوگیری از جنگ آگاهی دائم از وضعیت دشمن و اشراف اطلاعاتی نسبت به اوست و حتی پی بردن به نیت دشمن است تا به مکر و حيله و تاکتیک‌های وی اشراف حاصل شود اقدامات متقابل به‌موقع صورت گیرد و از

۱. تشویق بیش از عمل باید باشد و در تشویق باید زیاده‌روی کرد.

۲. سبکی رفتار- شدت غضب

۳. بی‌پروایی

۴. حوار شمردن

۵. آمادگی حاصل کردن

۶. سازوبرگ و نیرو

۷. چه‌بسا گروه قلیل که بر گروه کثیره اذن خدا پیروز می‌شوند.

۸. اسیر کردن

۹. اسیر گرفتن

۱۰. قتل اسرا به هیچ‌وجه جایز نیست.

وقوع جنگ و پیمان شکنی دشمن جلوگیری گردد. باید بر معایب و نقاط ضعف دشمن اشراف پیدا کرد اما آن را ناپستی افشا نمود و این اقدام را در مواقع خاص و به موقع مورد استفاده قرار داد. به عبارت دیگر باید در برخورد با دشمنان سعی داشت تا دل های آنان را به خود جلب کرد که در این صورت، یا دشمنی آنان از بین می رود و یا از دشمنی شان کاسته می شود. برخورد با دشمنان داخلی و خارجی و فردی و گروهی ابتدا باید در صورت امکان نظر آنان را به دوستی و رفع دشمنی جلب کرد؛ بدین طریق که اولاً، یکدیگر را باید تحمل کرد؛ یعنی در صورت ایجاد تعارض در مصالح و منافع یکدیگر، یک طرفه نگرسته نشود که او حق و طرف مقابل باطل است، بلکه باید به میزانی که حق بهره برداری از منافع و مصالح را برای خود قائل است، برای طرف مقابل هم قائل باشد و به تبادل منافع و رعایت مصالح و حقوق یکدیگر سازگاری داشته باشند.

نابستی به دشمن دشنام داد و او را مورد اهانت قرار داد زیرا این کار اولاً از عقل به دور است دوم این که این دشنام ها ضرری به دشمن نمی رساند اما در مقابل برای ذات و نفس دشنام دهنده مضر است و زبان دشمن برای دست درازی و تسلط به ما را فراهم می نماید.

عدم تدبیر کافی در برخورد با دشمن می تواند یکی دیگر از عوامل مؤثر در تحول دولت ها از دولتی به دولتی دیگر باشد، زیرا اظهار عداوت و دشمنی خود به تنهایی می تواند زمینه ساز و بلکه مقتضی دگرگونی نعمت های زیادی، همچون امنیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مبادلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... شود. از دیگر رفتارهایی که در سیاست خارجی باید به کار گرفت آن است که اگر دشمن در عمل از رئیس حکومت حمایت کند و حریم او را امنیت بخشد و در امانت دادن به وی اعتماد کند، نباید که علیه او به مکر، حيله و خیانت پرداخت، بلکه باید روش مردانگی و کرم را پیشه کرد. اگرچه ممکن است دشمن خود، خیانتی مرتکب شود که در این صورت، مورد ملامت و مذمت قرار می گیرد و حسن عهد و وفاداری و نیکوسیرتی وی برای همگان آشکار می شود:

«اگر دشمن به حمایت او آید و از حریم او مأمنی سازد، یا در چیزی که اقتضای وفای امانتی کند اعتماد نماید، غدر و مکر و خیانت استعمال نکند و مروت و کرم به کار دارد و چنان کند که ملامت و مذمت به دشمن مخصوص گردد و حسن عهد و نیکوسیرتی او همه کس را معلوم» (خواجه نصیرالدین طوسی ۱۳۶۹: ۳۳۸). از دیگر نکاتی که باید در برخورد با دشمن به کار گرفت و عدم آن ممکن است بسیاری از تدابیر لازم علیه دشمن را بی اثر سازد، شناخت روحیات و عادات اصناف مختلف دشمنان است تا با علم به آنها بتوان تدابیر مناسب حال آنان و اقدامات لازم و مؤثر را به جا آورد و نیز باید با کمک روان شناسی اجتماعی و جنگی، قبل از جنگ و ستیز با دشمن، نقاط ضعف و اضطراب دشمن را چه از نظر معنوی و چه مادی شناسایی کرد، زیرا از عوامل تسریع کننده در پیروزی بر دشمن و هم در اصل پیروزی است و

در نهایت، باید در اموری که عامل تقدم و تفاضل بر دشمن می‌شود، پیشی گرفت تا پیروزی را به دست آورد و باید در اموری که نسبت به هر دو (خود و دشمن) فضیلت محسوب می‌شود سبقت جست تا هم به کمالات وی افزوده شود و هم بر فرونشاندن خصومت‌ها کمک کند.

با وجود شرایط بالا بهتر است که قهر و درگیری با دشمن به دست دشمنی دیگر صورت گیرد و باید دانست با وجود فرصت در انتظار فرصت بودن خود از لوازم شکست است.

و دفع ضرر اعدا را سه مرتبه بود: اول اصلاح ایشان فی انفسهم اگر میسر باشد، و الا اصلاح ذات البین؛ و دوم احتراز از مخالطت^۱ ایشان به بُعد جوار یا سفری دور که اختیار کند؛ و سیم قهر و قمع^۲ و این آخر همه تدبیرها باشد؛ و با وجود شش شرط بر آن اقدام توان نمود:

اول آنکه دشمن شریر بود به ذات خویش و اصلاح او به هیچ طریق صورت نپندد و دوم آن که به هیچ وجه از وجوه، جز قهر، خویشتن را از تعرض او خلاصی نپندد و سیم آنکه داند که اگر ظفر او را بود زیادت از این که این کس ارتکاب خواهد کرد استعمال کند و چهارم آنکه اظهار قصد و سعی در ازاله خیرات از او مشاهده کرده باشد و پنجم آخرت متوقع نبود و مع ذالک اگر قهر او به دست دشمنی دیگر کند بهتر و انتهاز فرصت با وجود مهلت از لوازم حزم باشد (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۳۸).

حفاظت اطلاعات و امنیت نظامی

یکی از مهم‌ترین اصول برای امنیت کشور و حفظ ارکان کشور و تسلط بر دشمنان ملت و کشور حفظ اسرار از طرف مقامات و مسئولین است. علاوه بر این باید دائم بر امور دشمن تجسس و بررسی انجام داد و بر رأی و نیت و اهداف دشمن اشراف پیدا کرد. در این اقدام سود فراوان نهفته است. خواجه در این مورد چنین گفته است:

و (پادشاه) باید که اسرار خود پوشیده دارد تا بر اجالت^۳ رأی قادر بود و از آفت مناقصت ایمن و نیز اگر دشمن خبر باید به تحرز و تحفظ دفع تدبیر او بکند.

و باید که دائماً منهیان و متجسسان به تفحص از امور پوشیده و خصوصاً احوال دشمنان مشغول باشند و از افعال دشمنان و خصوم رأی‌های ایشان معلوم کند، چه بزرگ‌ترین سلاحی در مقاومت اضداد و قوف بود بر تدبیر ایشان؛ و طریق استنباط رأی بزرگان آن بود که در احوال ایشان، از اخذ عزم و اعداد عُدّت و اهیت^۴ و جمع مفترقات و تفریق مجتمعات و امساک از آنچه مباشرت آن معهود بوده باشد، مانند احضار غایبان و اشارت به غیب حاضران و مبالغت در تفحص اخبار و حرص زائد نمودن بر استکشاف امور و استماع احادیث مختلط و احساس تیقظی زائد بر معهود

۱. آمیختگی

۲. سرکوب کردن، چیره شدن

۳. گردآیندن

۴. سازوساخت

بهرترین برای کثرت محادثت^۱ بود با هرکسی، چه هرکسی را دوستی بود که با او مستأنس^۲ بود و احادیث خود جلیل و دقیق با او بگوید و چون مجارات^۳ و محادثت بسیار شود بر مکنون ضمائر دلیل ظاهر شود و باید که تا ادله باهم بازخواند و به حد تواتر نینجامد بر یک طرف حکم نکند. فی‌الجمله این معانی طریق استخراج اندیشه‌های ملوک و بزرگان باشد و در معرفت آن فواید بسیار بود، چه به جهت استعمال آن در وقت حاجت و چه به جهت احتراز از آن در وقت احتیاط (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۱۱-۳۱۰). خواجه در فرازی دیگر می‌گوید که هرکسی که در اندیشه بدی و تباهی غیر خود باشد در حقیقت نفس او تباهی را پذیرفته است و مذهب این شخص بر بدی و تباهی خواهد بود و همراه ره‌توشه آخرتش آماده باشد زیرا زمان رفتن مشخص نیست و این را بدان که در نزد خدا هیچ چیزی بهتر از حکمت نیست و حکیم کسی است که حرف و عمل او برابر باشند.

محقق طوسی در ادامه می‌گوید هیچ گناهی را با امید به دست آوردن حسنه سرمایه خودت قرار نده و با دوستان طوری معامله کن که نیاز به قضاوت کننده‌ای میان شما نباشد و با دشمنان طوری معامل کن که در نهایت پیروز با تو باشد.

کسی که در شرّ غیر خود اندیشه کند نفس او قبول شر کرده باشد و مذهب او بر شرّ مشتمل شده (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۳۴۴-۲۳۶). و چون دانش و بینش ما به عواقب امور محیط نمی‌تواند شد و به رای و قیاس خود اختیار حق نمی‌توانیم کرد از اختیار ناحق ما شر به میان می‌آید. (خواجه نصیرالدین طوسی م. ۱۳۹۳: ۴۰)

داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

سبب و منشأ پیدایش دولت، وجود قدرت و قوه فائقه‌ای است که کار ویژه اساسی آن تدبیر امور و منتهی کردن تصمیمات و تدابیر بر خود است. سبب اصلی حفظ دولت، تدبیر است؛ تدبیری که بر اساس مدبره قوی حاصل از قوه عاقله و در رأس امور باشد و تصمیمات از آن اخذ و بر آن منتهی شود و تدبیری که در طریق دو امر قرار گیرد که عبارت‌اند از: (۱) تألف اولیا^۴؛ (۲) تنازع اعدا^۵. دولت (امامیه) در چارچوب دیدگاه‌های سیاسی و امنیتی خواجه دارای کارویژه‌ها یا خیراتی است که دولت حق آنان را کارویژه خود قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: امنیت، سکون، مودت با یکدیگر، عدل، عفاف، حیا، رفق و مدارا، حُسن هُدی، مسالمت، دَعَت، صبر، قناعت، وقار، ورع، انتظام، حریت، سخا، لطف.

۱. گفت‌وگو کردن

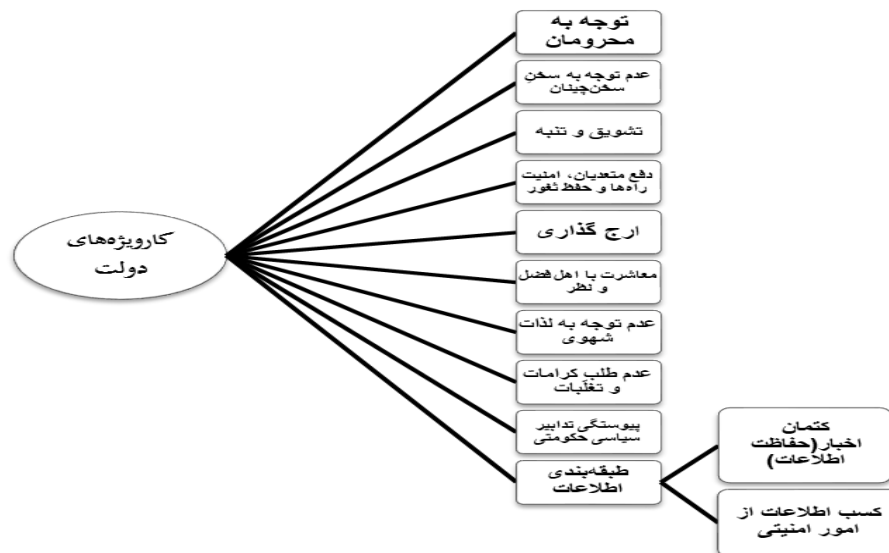
۲. انس گیرنده

۳. گفتگو و مناظره

۴. انس گرفتن و اجتماع دوستان

۵. جنگ و نزاع با دشمنان

دولت امامیه با خیرات مذکور برای رسیدن به امنیت نظامی که مهم‌ترین کارویژه آن است مؤلفه‌ها و اهداف زیر را تعقیب می‌نماید و برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی می‌نماید:



(نمودار ۱-۴)

بسیاری از پژوهش‌های امنیتی کشور که زاینده نیاز سامانه‌های اطلاعاتی و امنیتی است مبتنی بر مبانی فلسفه غرب شکل گرفته که آبخشور و خاستگاه مکاتب امنیتی مسلط (رئالیسم، ایدئالیسم و...) است و این در حالی است که کارویژه‌های دولت در فلسفه غرب بر اساس نیاز فرهنگ و جغرافیای آن دیار است. بر اساس دیدگاه فلسفه اسلامی و نگاه خواجه طوسی، فلسفه اسلامی دارای ظرفیت لازم برای استقرار امنیت در شقوق مختلف آن به‌ویژه امنیت نظامی است و بستر امنیت در آثار فلاسفه اسلامی به‌ویژه خواجه موجود است که در دو بخش زیر به سؤال و فرضیه پژوهش پرداخته شده است. کارویژه‌های دولت امامیه و ناقصه به همراه رویکرد سیاسی و سیاست‌های مرتبط با آن‌ها (سؤال پژوهش) به شرح جدول زیر است:

ردیف	کارویژه‌های عمومی دولت	دولت امامیه		دولت ناقصه	
		کارویژه	رویکرد (سیاست)	کارویژه	رویکرد (سیاست)
۱	توجه به محرومان	امنیت	عدالت	خوف	سیاست گذاری ظالمانه
۲	توجه به سخن سخن‌چینان	سکون	فرهنگ عدالت‌محور	اضطراب	تمسک به جور

ردیف	کارویژه‌های عمومی دولت			دولت امامیه		دولت ناقصه	
				کارویژه	رویکرد (سیاست)	کارویژه	رویکرد (سیاست)
۳	تشویق و تنبیه			عدل	سیاست عدالت‌محور	تنازع	تحقیر مردم
۴	دفع متعديان، امنیت راه‌ها و حفظ ثغور			عفاف	روابط اجتماعی عدالت‌محور	جور	سرکوب مردم
				حیا			
۵	ارج گذاری			رفق و مدارا	حسن هدی دعت صبر قناعت وقار و رع	حرص	
۶	معاشرت با اهل نظر					عنف	
۷	عدم توجه به لذات شهوات					عذر	
۸	عدم طلب کرامات و تغلب					خیانت	
۹	پیوستگی تدابیر سیاسی حکومت					مسخرگی	
۱۰	طبقه‌بندی اطلاعات				یت	غیبت	
	کتمان اخبار	کسب اطلاعات از امور امنیتی	یت				

(جدول ۱-۴)

حفظ امنیت: به موازات امنیت داخلی که در جامعه اسلامی ایجاد می‌گردد دولت امامیه امنیت نظامی در مقابل دشمنان را تعقیب می‌نماید (فرضیه پژوهش) که این موضوع از کارویژه‌های مهم دولت امامیه است که در رأس آن امام معصوم، فقیه و یا مجتهد جامعه شرایطی قرار دارد. حاکم جامعه اسلامی برای تحقق امنیت در برابر دشمنان نیازمند اتخاذ تدابیری است که در وهله اول مانع بروز جنگ گردد و کلیه عوامل مؤثر در این زمینه را بکار می‌گیرد که از جنگ پرهیز گردد.

بر اساس دیدگاه خواجه حاکم جامعه اسلامی برای نیل به امنیت نظامی که از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت است اقدامات زیر را در دستور کار دارد:

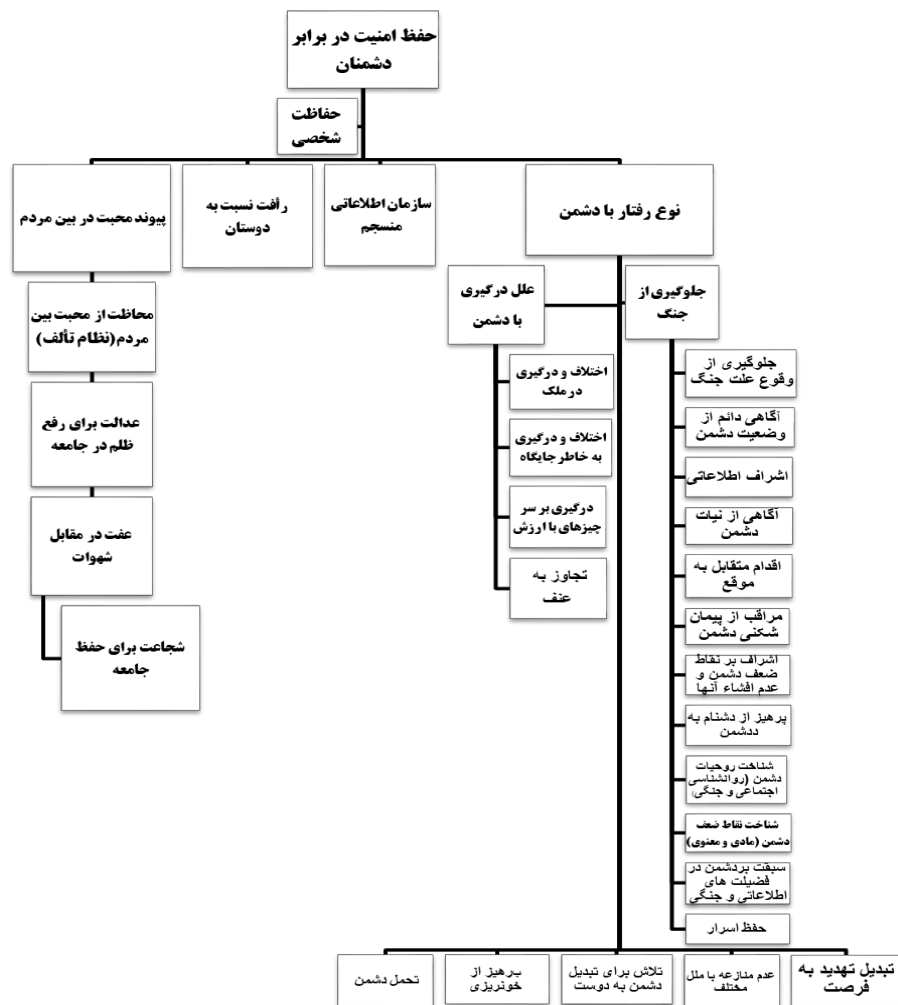
الف- حفظ محبت در بین مردم را از اهم امور و از واجبات برای حکومت اسلامی می‌داند که مستقیماً با امنیت داخلی جامعه مرتبط است و از رخنه اعداء جلوگیری می‌کند.

ب- دولت باید نسبت به ایجاد سازمان اطلاعاتی منسجم اقدام نماید. سازمان اطلاعات و فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و هوشیاری دولت اسلامی سبب می‌شود که سیاست در مقابل اعدا به‌درستی شکل بگیرد.

ج- حفاظت اطلاعات از اقدامات مهم دولت اسلامی است.

د- برای دولت امامیه امنیت نظامی با پرهیز از جنگ همراه است.

- ه- ورود به جنگ در جامعه اسلامی آخرین اقدام برای حفظ امنیت نظامی است که این مرحله نیز با تدبیر و حداقل خسارات و خونریزی همراه است که دارای شرایط ویژه‌ای است.
- و- مؤلفه‌های امنیت ساز در جامعه اسلامی از دیدگاه خواجه برابر نمودار زیر است:



(نمودار ۲-۴)

نتیجه و پیشنهاد

بر اساس دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی کارروه‌های دولت امامیه می‌تواند امنیت را در جامعه ایجاد نماید. یکی از کارروه‌های امنیتی این دولت، امنیت نظامی است که مبتنی بر انسجام درونی جامعه و حفظ وحدت (تألف اولیا) از طریق پیوند محبت میان مردم ایجاد می‌شود. مؤلفه دوم تنظیم رابطه با دشمنان است که راهبرد خواجه طوسی بر پرهیز از جنگ و ایجاد اشراف اطلاعاتی از طریق تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی منسجم، حفاظت اطلاعات در مقابل دشمنان است که حاصل این راهبرد تحمل دشمن و تلاش برای تبدیل دشمن به دوست و تهدید به فرصت است. مؤلفه دیگر نزاع با دشمن است (تنازع اعداء) که این راهبرد هنگامی محقق خواهد شد که زمینه‌های آن از طرف دشمن ایجاد شود که برآیند این راهبرد نشان‌دهنده این است که رهنامه دولت امامیه دفاعی است و تمام تدابیر در جهت توسعه دیپلماسی دفاعی مبتنی بر فضای دوستی، گفتگو و کاهش عوارض تهدید دشمن است.

امنیت نظامی بر اساس فلسفه خواجه مبتنی بر آرامش برای جامعه، عدم ماجراجویی و خودداری از تحریک کشورها و ارتش‌های رقیب و دشمن است که به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشند:

- عدم منازعه با ملل مختلف
- تلاش برای تبدیل دشمن به دوست
- پرهیز از خونریزی
- تحمل دشمن
- تبدیل تهدید به فرصت
- پرهیز شدید از عهد شکستن

در این راستا پیشنهاد می‌گردد:

الف- رویکرد تدافعی فرصت محور به عنوان راهبرد اصلی امنیت نظامی در سناریوهای برآورد تهدیدات کشور مورد توجه قرار گیرد.

ب- زمینه امنیت پژوهی مبتنی بر دیدگاه‌های امنیتی فلاسفه اسلامی (بجای مکاتب امنیتی مسلط مانند رئالیسم، ایدئالیسم و...) در دانشگاه‌های نظامی و امنیتی در کشور ج.ا.ایران فراهم شود.

منابع

- خواجه‌نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. (۱۳۶۹). اخلاق ناصری. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.
- خواجه‌نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۷۳). اوصاف الاشراف (چاپ سوم). (س. شمس‌الدین، تدوین) تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، کشف المراد (شرح فارسی تجزید الاعتقاد)، شارح: علامه حلی حسن بن یوسف، ناشر: کتابفروشی اسلامیة، تهران ۱۳۷۲
- خواجه‌نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۹۳). روضه تسلیم. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- خواجه‌نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۵۹) تلخیص المحصل. بیروت: دارالاضواء
- خواجه‌نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۷۷) اخلاق محتشمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- یوسفی راد، م. (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی خواجه‌نصیرالدین طوسی. قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
- سلیمانی، عباس‌آباد، صدیقه، یوسف عالی (۱۳۹۷) تحلیل جامعه‌شناسی امنیت در سیاست‌نامه نظام الملک، تهران، فصلنامه امنیت پژوهی دانشکده فارابی، شماره ۶۱، صص: ۸۴-۱۱۰

